

آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد!



آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد!

هر آنچه در فضای گفتمانی یک جامعه می‌گذرد، ردپایی در ادبیات و آثار هنری برجای می‌گذارد. ما مردمان سرزمین ایران دارای آثار ادبی، متون ماندگار و هنری‌ای هستیم که بسیاری از آن‌ها دارای یک تفکر سازمان‌یخش اخلاقی و دینی هستند. سنت اجتماعی ما وری هنجارهای پیشینی، شامل باورهای اخلاقی فراگیری است. این موارد را درکنار علاقه و باور به دین درنظر بگیرید تا چرایی وجود حکایت‌های اخلاقی سعدی و ابیات اجتماعی و دینی حافظ را درک کنید؛ هرچند که موارد قابل اشاره در شاهنامه و متون کهن نیز برای مثال زدن بی‌شمارند که آگاهی نویسندگان و شاعران گذشته از دین و اخلاق را نشان می‌دهد و ماحصلش، نمود آیات و روایات در کلام و ادبیات است. کلام و اشعاری که مسیری برای ورود مفاهیم دینی‌گاه به شکل ضرب‌المثل به زندگی مردم کوچه و بازار شده و گاه به شکل پند و حکمت بیان شده است. در ادامه به مدد این رهیافت ادیبانه به یکی از مباحث اخلاق اجتماعی می‌پردازیم: زیست اجتماعی، الزاماتی دارد که در قرآن کریم به نمونه‌های متعددی از آن‌ها اشاره کرده است. مواردی که نه تنها ما را به سعادت بلکه به آرامش و سلامت روان رهنمود می‌کنند. در آیه ۲۲ سوره نور آمده است: «وَلْيَعْلُوا وَيَلْصِقُوا الْإِتْحَابُونَ أَنْ يَغْفِرَ... لَكُمْ وَ... غُفُورٌ رَحِيمٌ» و باید غفو و گذشت کنند. مگر دوست نداید که خدا بر شما بیخاشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است.» غفو و گذشت جزو این موارد است که خطاپوشی و گذشت همان طور که حافظ بیان کرده است، به حسن ظن به آفرینش خداوندی و ایمان به این امر بازمی‌گردد؛ «بپیر ماگفت خطا بر قلم صنع نرفت/ آفرین بر نظر پاک خطاپوشش باد». توصیه بزرگان دینی به خطاپوشی به چند مرحله تقسیم می‌شود: در مرحله اول اگر آدمی از فردی، خطا و اشتباهی مشاهده کرد، باید آن را نادیده بگیرد. در مرحله بعد برای آن عذر و بهانه‌ای بنشاند و به شکلی مثبت آن را توجیه کند؛ یعنی خود را چنین توجیه‌کند که حتما این‌طور نبوده است یا من اشتباه کرده‌ام و... یا شاید فرد مدنظر برای این کار خود دلیلی داشته است که من به آن آگاه نیستم. در تصدیق این عمل خوب است به حدیثی از امام صادق^(ع) توجه کنیم: ایشان می‌فرمایند: «برای برداران ایمانی خود در لغزش‌ها و جرم تقصیر هایشان، جویای عذر باشید. اگر برای آن‌ها در لغزش هایشان عذری نیافتید، بر این باور شوید که این نیافتن عذر به سبب کوتاهی شما در شناخت شکل‌های عذر است.» (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۵۷).

خطاپوشی و نادیده گرفتن عیب‌های دیگران تا جایی که موجب اصلاح امر شود، توصیه‌شده است. تغافل یکی از راهکارهای اولیا و اندیشمندان تربیتی است؛ چراکه فرصت اصلاح امر و افشا نکردن کجی و ناراستی و اصرار نکردن به آن را به فرد می‌دهد. فردی که دیگر ابرویش ریخته و معروف به آن منکر شده است، دیگر نیروی مانعی در خودش برای خودداری از آن امر پیدا نمی‌کند. امام محبوب شیعیان حضرت امیر^(ع) می‌فرمایند: «الْعَفْوُ عَنِ الْمُتَّعِلِّ لِأَعَنِ الْمُصْرَ» غفو و گذشت سزاوار شخصی است که به خطاهای خود اعتراف و اقرار می‌کند، نه آن شخصی که از تصصیرات و خطاهایش دست‌بردار نیست» (نهج حدیدی، ج ۲۰، ص ۳۳۰). با توجه به این حدیث، خوب است علاج واقعه را قبل از وقوع کنیم و تا می‌شود، با چشم‌پوشی و نادیده گرفتن به دیگران کمک کنیم تا به سمت اصلاح حرکت کنند؛ وگرنه همان‌طور که حضرت امیر^(ع) فرمودند، روش برخورد با فردی که اصرار به ناراستی و انجامش دارد، متفاوت می‌شود که در مجالی دیگر باید به آن پرداخت.

امید به درست شدن افراد در وجود ما با هر عنوان و در هر نقش خانوادگی و اجتماعی مثلاً به عنوان والد، به عنوان همکار یا حتی به عنوان کارفرما باید تا می‌تواند در درونمان زنده باشد. اگر به راه و روش دینمان معتقدیم، نگاه به رفتار خداوند متعال با بندگان در طول تاریخ بشری و همچنین پیامبران در ادوار مختلف باید به ما صبر و خویشتن‌داری و حسن ظن را بیاموزد. به غیر از این‌ها کافی است چند کتاب درمورد زندگی حضرت محمد^(ص) را مرور کنیم تا ببینیم رحمت و مهربانی در وجود ایشان بر هر خصلتی پیشی می‌گرفت؛ چه در برخورد‌های روزمره و چه در جنگ‌ها و میادین سخت و خشن روزگار، ایشان همواره به رحمت و خطاپوشی و گذشت اعتقاد داشتند.

خداوند تو را حفظ کند!

در دوران کودکی هر وقت زمین می‌خوردیم، به چشم کسی می‌آمدیم یا کاری از توان و قدرتمان خارج بود، مادرها و مادر بزرگ‌ها برای یاری ما ذکر و دعایی می‌خواندند. یکی از این ذکر‌های پرکاربرد، ذکر ذیل است.

﴿لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ﴾

امروز به شرح و تفسیر مختصری از این ذکر می‌پردازیم.

«لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم»؛ یعنی هیچ نیرو و توانی، جز از سوی خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست.

واژه «حول» در لغت به معنای حرکت و جنبش^۱ و «قوه» به معنای استطاعت و توانایی است.^۲

بنابراین، معنای عبارت فوق این است که: هیچ حرکت و قدرتی در جهان آفرینش، جز به مشیت خداوند متعال و بزرگ وجود ندارد.

این ذکرِی است که خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم^(ص) هدیه داده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ ا... ع قَالَ: قَالَ ا... تَعَالَى لَنَبِيِّهِ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ أَغْطِيْتُكَ كَلِمَتَيْنِ مِنْ خَزَائِنِ عِزِّي لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِا... وَ لَا مَنَجِي مِنْكَ إِلَّا إِلَٰهِيكَ»^۳.

این ذکر، آثار و برکات فراوانی دارد. امام صادق^(ع) از رسول خدا^(ص) نقل می‌کنند: «...هر که فقر بر او فشار آورد، جمله «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را زیاد بگوید که فقر را برطرف می‌کند؛ «وَمَنْ أَلَيْحَ عَلَيْهِ الْفَقْرُ فَلْيُكَيِّمْ مِنْ قَوْلِ «لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِا... الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُفْنِي عَنْهُ الْفَقْرَ»^۴.

در روایت آمده است پیامبر اکرم^(ص) به حضرت علی^(ع) فرمودند: چون در ورطه‌ای هولناک افتی، بگو: «بِسْمِ ا... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم» که خداوند به وسیله این دعا، بلا را برمی‌گرداند.^۵

«لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِا... الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، ذکر افراد مؤمن و اولیای الهی است، آنان که حول و قوتی در مقابل قدرت و اراده و عظمت پروردگار متعال برای خود قائل نیستند و در انجام وظایف بندگی و اوامر الهی پیوسته کوشا هستند. در ظاهر و باطن و در نهان و آشکار، عبادت و اطاعت خداوند متعال را به جا می‌آورند و حالات بود و نبود، زیادی و کمی، مدح و ذم، و عزت و ذلت در نظر آنان برابر و یکسان است؛ زیرا همه این حالات مختلف، از یک مبدأ واحد و از یک سرچشمه سرازیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.

آنان چون خداوند عزیز متعال را به عین و از روی شهود، حاضر و محیط و ناظر و قیوم و مالک و سلطان دیده‌اند و خود، بلکه همه موجودات جهان را تحت نظر و احاطه و سلطنت و قیومیت او محو و فانی دیده‌اند، قهرا و بی‌اختیار، پیوسته در مقام عبودیت و بندگی و اطاعت هستند و سراپا تسلیم و مطیع و خاضع شده‌اند و هیچ‌گونه حول و قوتی از غیر او نخواهند دید.

و در اینجا ست که حقیقت «لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم» را چنان‌که شایسته است، مشاهده خواهند کرد؛ یعنی هیچ‌گونه تحول در حالات مختلف جهان و موجودات و هیچ‌گونه نیرو و قدرتی پدیدار نشود، مگر از او و به سبب او و هیچ موجودی را حول و قوتی از خود نیست.^۶

^[1] مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۱۸، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ۲۰۰، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: داوودی، صفوان عدنان، ص ۶۹۳، دمشق، بیروت، دارالقرلم، الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق / ۲۰۰۳ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۸۶، بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۴ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۸، ص ۹۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق / ۵۰، طبرسی، حسن بن فضل، مکرم الاخلاق، ص ۳۵۲، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۶۰ ر ک، منسوب به جعفر بن محمد^(ع) (امام ششم)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ترجمه مصطفوی، حسن، ص ۲۰۱-۲۹۲، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.

مروری بر ادعیه و احادیثی که از امام علی^(ع) برای ما به جا مانده است

باب الرَّحْمه، دری که بسته نمی‌شود

آمَنَه مستقیمِی|
مرور سیره و سبک زندگی امام علی^(ع) و تأمل در میراثی که حضرت برای ما به یادگار گذاشته‌اند، نشان می‌دهد که آن امام بزرگوار راه‌های مختلف را برای هدایت انسان امتحان کرده‌اند و این‌طور نبوده است که برنامه هدایتگری و تکاملی ایشان برای جامعه به زمان حیاتشان محدود شود؛ دعاهایی که از حضرت در دست است، به خوبی صحت این ادعا را ثابت می‌کند؛ دعاهایی که هر یک، کتاب زندگی است و راه و رسم حیات طیبیه را نشانمان می‌دهد. میزان اثرگذاری این دعاها در زندگی ما به قدر خواست خودمان است. در سالروز انشای دعای صباح توسط امیرالمؤمنین^(ع) و در بررسی مهندسی دعا در سیره علوی، با حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی سجادی زاده، استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

● **ما بیشتر امام علی^(ع) را به جنگاوری‌ها و دلاوری‌ها یا ظلمی که پس از رحلت پیامبر^(ص) به ایشان شده است، می‌شناسیم. در سیره و منش شخصیتی این چنین، دعا چه جایگاهی دارد و چطور از ایشان چنین میراث دعایی‌ای به جا مانده است؟**

امیرالمؤمنین^(ع) برجسته‌ترین، پیشگام‌ترین و مهم‌ترین شاگرد مکتب اسلام، قرآن و پیامبر^(ص) چه در یادگیری، چه در پایبندی و چه در عمل به سنت‌ها و دستورات دین بودند؛ یکی از دستورات و سنت‌های الهی، دعا کردن است؛ چنان‌که در آیه ۶۰ از سوره مبارک غافر می‌فرماید: «مِرَا بِا (خلوص دل) بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم. آنان که از (دعا و) عبادت من اعراض و سرکشی کنند، زود با ذلت و خواری در دوزخ شوند». لذا از مهم‌ترین محورهای زندگی انبیا، دعا بوده است و خدا به پیامبر خاتم^(ص) خود نیز امر به دعا می‌کند. امام علی^(ع) که برترین تربیت‌شدگان مکتب اسلام، قرآن و پیامبر^(ص) بودند، آنسی خاص با دعا داشتند و زندگی بابرکتشان در ابعاد روحی عاطفی، پیوندی ویژه با دعا داشت؛ به همین دلیل درکنار میراث‌گران بهای کلامی در قالب کلمات قصار، نامه‌ها، خطبه‌ها و عهدنامه‌ها که در نهج البلاغه گردآوری شده، از امیرمؤمنان^(ع) دعاهای فراوان به یادگار مانده است که علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی بیشتر با آن‌ها به کتاب «صحیفه علویه» مراجعه کنند؛ کتابی که دعاهای مختلف امیرالمؤمنین^(ع) در آن آمده است.

● **امیرالمؤمنین علی^(ع) بیشتر به چه دعاهایی توجه کرده‌اند و میراث دعایی ایشان، ما را به چه مسیر و مقصدی هدایت می‌کند؟**

دعاهای امام علی^(ع) موضوعات مختلفی را دربر می‌گیرد، اما نکته مهم در آن‌ها، توجه خاص به بعد زمان است؛ چنان‌که حضرت برای اوقات مختلف دعا دارند؛ همچون دعای کمیل برای شب‌های جمعه و شب نیمه شعبان، دعای صباح برای صبح‌ها، دعاهای مربوط به روزهای هفته، دعای هر روز ماه، دعای نیمه رجب، مناجات شعبانیه، دعای هنگام افطار، دعای بعد از سجده و دعای روزهای دهه اول ماه ذی الحجه که بنا بر برخی تفاسیر شیعی، این دهه همان ایامی است که خدا در قرآن به آن قسم می‌خورد؛ «وَلَيَالٍ عَشْرًا» در این دعا امیرالمؤمنین^(ع) به عنوان اول موحّد عالم بعد از پیامبر^(ص)، به شدت بر اصل توحید تأکید می‌کنند. این‌ها همه از توجه خاص امام علی^(ع) به بستر زمان در دعا و تأثیر آن بر اجابت، حکایت می‌کند.

● **دلیل این همه توصیه و تأکید به دعا و انشای متعدد توسط امیرالمؤمنین^(ع) چیست و حضرت تلاش می‌کنند مخاطب را به کجا برسانند؟**

اسلام بر رشد و تعالی انسان، متمرکز است؛ اینکه او راه درست را بشناسد، در آن حرکت کند و موانع را پشت سر بگذارد تا به کمال برسد. از میانبرهای رسیدن به این مقصد، خودشناسی و خداشناسی است که هر دوی این‌ها در سایه دعا ممکن می‌شود. به عبارت دیگر، دعا خداشناسی و خودشناسی را برای ما به ارمغان می‌آورد؛ یعنی دعاها ضمن اینکه ما را متوجه توحید و صفات خدا می‌کنند، باعث می‌شوند خود را بهتر بشناسیم؛ مثل دعای امام علی^(ع) برای شفای بیمار که به زیبایی به خدا می‌گویند: «هر وقت نعمتی دادی، درست شکر نکردم و هر وقت مرا به بلایی دچار کردی، صبرم کم است... ای خدایی که سیاس من مقابل نعمت، اندک است اما مرا محروم نمی‌کنی و مرا مقابل گناهان بسیار مؤاخذه نکردی، گناهانم را ببامرز و مرا از بیماری شفا بده که تو بر هر چیز توانایی!» همین دعا کوتاه، منظومه خودشناسی و خداشناسی است؛ از یک سو به ویژگی‌های انسان همچون ناپیاسی و کم صبری اشاره می‌کند و از سوی دیگر خدا را قادر مطلق معرفی می‌کند که می‌تواند بیماری را ما شفا دهد.



● **خدا وعده داده است در مقابل دعا ما را اجابت کند. اما گاه این اتفاق نمی‌افتد. آیا امام علی^(ع) برای این مسئله توضیحی داده‌اند؟**

خدا در مقابل امر به دعا، وعده اجابت هم داده است، اما دعا هم مثل هر کار دیگری، آداب خاص خود را دارد. برخی افراد از امام علی^(ع) می‌پرسیدند، «چرا ما دعا می‌کنیم اما دعاهایمان مستجاب نمی‌شود؟». حضرت پاسخ دادند: «دعا می‌کنید اما در ابعاد مختلف، خیانت می‌کنید». بنا بر تصریح آموزه‌های دینی، برای قبل، حین و بعد از دعا آدابی هست؛ قبل از دعا باید توبه کنیم و پاک و مطهر شویم. هنگام دعا با توجه باید دعا کنیم و متوجه باشیم که چه کسی را می‌خوانیم و چه می‌خواهیم و بعد از دعا هم نباید با گناه و ناپیاسی، آثار آن را از بین ببریم.

بنا بر تصریح روایات، اصل دعا برای خواستن از خداست و استجاب، پاسخ خدا به دعا ی ماست. اما نباید این اجابت را مترادف با خواسته‌های خود بدانیم؛ چون گاه دعاهای ما حکم دارو یا چاقویی را دارد که مادر از مقابل دست کودک برمی‌دارد! برخی دعاها هم برای اجابت، نیازمند زمان است؛ چنان‌که حضرت موسی^(ع) و هارون به عنوان دو پیامبر الهی وقتی دعا کردند، خدا به آن‌ها فرمود: «دعايتان مستجاب شد». اما بیست سال بعد، اثرش را نشان آن‌ها داد. مهم آن است که انسان هرگز از دعا ضرر نمی‌کند. به تعبیر امام سجاد^(ع)، دعا یا مستجاب می‌شود یا به واسطه آن، بلایی از انسان دور یا ذخیره آخرت می‌شود.



قسمتی از نسخه خطی دعای صباح از امام سجاد علیه السلام

● **دعای صباح از نظر امیدبخشی به مخاطب و امیدوار کردن او به رحمت و بخشش خدا، چه تأثیری دارد و نیاز مخاطب به این امیدواری از چه باب است؟**

بنا بر آموزه‌های دینی، انسان باید حتی در سخت‌ترین شرایط هم به لطف خدا امیدوار باشد؛ چون این امید، مسیر توبه و بازگشت و سعادت را برای او هموار می‌کند. نقل است حمیدبن قطنیه، از فرماندهان خوئینز و سفاک هارون الرشید که شصت نفر از سادات را گردن زد و سر آن‌ها را به چاه انداخت. وقتی امام رضا^(ع) به خراسان آمدند، لاش کرد خود را به حضرت نزدیک کند و حتی به ایشان گفت کتاب دعائتان را در مقابل باغی بزرگ به من ببخشید و حضرت هم چنین کردند. یکی از همراهان وی برای امام رضا^(ع) تعریف کرد که روزی در ماه رمضان به خانه‌اش رفتم و او را مشغول خوردن غذا دیدم، وی گفت: «روژه دیگر دردی از من دوا نمی‌کند؛ بعد از کشتن آن همه شیعه و سادات، دیگروژه‌داری به کار من نمی‌آید». امام رضا^(ع) وقتی این نقل را شنیدند، فرمودند: «نامامیدی اواز درگاه رحمت الهی، از گناه کشتن آن همه سادات بیشتر است». دعای صباح امیرالمؤمنین^(ع) هم در فرازهای مختلف به مخاطب امید می‌دهد و این مفهوم را بیان می‌کند که بنده معتقد به خدای قادر متعال، نباید ناامید شود. همین آموزه اگر در سبک زندگی ما اجرا شود، خیلی از سرگشتگی‌ها و احساس‌های پوچی ما را برطرف می‌کند.

● **امروز که بازار عرفان‌های دروغین داغ است و خیلی‌ها تلاش می‌کنند به اسم عرفان، موارد اشتباه را به خورد متقاضیان دهند، آیا با مرور و تأمل در دعاهای امام علی^(ع)، می‌توانیم به عرفان ناب برسیم و عطشمان را رفع کنیم؟**

عرفان اصیل و ناب همان است که در قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت^(ع)، به‌ویژه در دعاها و مناجات‌های امیرالمؤمنین^(ع) ارائه شده است. در این عرفان، خدا از خودمان به ما نزدیک‌تر معرفی می‌شود. در این عرفان، انسان به خدایی اعتقاد دارد که علم و قدرتش بی‌مثال است، هیچ نقصی در او راه ندارد و در این جایگاه، گوهر وجودی انسان چنان صیقل می‌خورد و قوی و باارزش می‌شود که حتی اگر کوه‌ها از جا بجنبند، او متزلزل نمی‌شود؛ به همین دلیل هم بهترین معرفت‌ها، خداشناسی و سودمندترین معارف، خودشناسی معرفی شده است. مهم آن است که دعاها مسیر این دو عرفان را برای ما هموار می‌کنند و در سایه چنین عرفانی، دیگر انسان جذب عرفان‌های کاذب نمی‌شود و فریب آن‌ها را نمی‌خورد.